

## Typology of the Personality of "Urwah bin Vard " in His Poems Based on the Theory of the Eneagram\*

Reza Afkhami Aqda

*Associate Professor of Arabic Language and Literature, Yazd University*

Mahdie Jafari Nodoushan

*Ph.D. Student of Arabic Language and Literature, Yazd University*

### Abstract

Personality recognition is one of the approaches to the psychological criticism which has been used in the field of literature in the twentieth century. In this approach, the critic explores the psychological depths and creator's personality through his/her works based on the principles of psychology. One of the important theories of personality recognition in the modern psychology is "Eneagram" theory that one can recall the type of personality brigade of each person among the nine types of this pattern through using it. The present research is a descriptive-analytic one in order to identify the personality type of Urwah in his poems, reflect his personality type in his poems, and introduce the factors influencing the formation of the character of Urwah. The findings indicated that Urwah's characteristics are more in line with the characteristics of Assyrian type 2 and his personality brigade, in the form of a human, compassionate, self-sacrificing, gracious, and helping the poor and the oppressed. However, the stimulus of such behaviors is the attempt to overcome the pain of restraint caused by the injustice and inequality of his individualistic and social life. Moreover, his humanitarian behaviors and manners are to prove himself to society and attracting them toward himself.

**Keywords:** ignorance Poetry, Personality Typology, Urwah bin Vard , Theory of the Eneagram

---

\* - Received on: 15/06/2018  
- Email: [mahdiejafari59@gmail.com](mailto:mahdiejafari59@gmail.com)  
-DOI: 10.30479/lm.2018.1545

Accepted on: 30/09/2018

## تیپ‌شناسی شخصیت عروۀ بن ورد از خلال اشعارش بر اساس نظریه انیاگرام\*

رضا افخمی عقدا، دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

مهدیه جعفری ندوشن، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

### چکیده

یکی از رویکردهای نقد روان‌شناختی که در قرن بیستم پا به عرصه‌های جدید از جمله ادبیات گذاشت، شخصیت‌شناسی است. در این روش، منتقد بر اساس اصول روان‌شناسی اعماق شخصیت و روان‌نویسنده را در آثارش می‌کاود. یکی از نظریه‌های مهم برای شناخت شخصیت در روان‌شناسی نو نظریه «انیاگرام» است که با به‌کارگیری آن می‌توان نوع هر شخصیت را از میان تیپ‌های نه‌گانه این الگو بازشناسی کرد. این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی تیپ شخصیتی عروه را بر اساس نظریه «انیاگرام» از خلال اشعارش شناسایی و بازتاب آن را در اشعار وی واکاوی کند و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت او را معرفی نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های رفتاری عروه با ویژگی‌های تیپ دو(کم‌گرا) انطباق بیشتری دارد و تیپ شخصیتی او، در قالب انسانی مهربان، دلسوز، فداکار، بخشنده و یاری‌دهنده به فقراء و ستم‌دیدگان نمایانگر می‌شود؛ هر چند محرک چنین رفتارهایی از عروه، تلاش برای غلبه بر درد حقارت ناشی از ظلم و نابرابری اقتصادی و اجتماعی حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی اوست و رفتار و منش انسان‌دوستانه وی بیشتر برای اثبات خود به جامعه و جلب توجه و تأیید دیگران است.

**کلمات کلیدی:** شعر جاهلی، تیپ‌شناسی شخصیت، عروه بن ورد، نظریه انیاگرام.

\* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۷/۰۸

نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسؤل): [mahdiejafari59@gmail.com](mailto:mahdiejafari59@gmail.com)

شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/lm.2018.1545

## ۱. مقدمه

با پیشرفت‌های بشر در قرن بیستم، نقد ادبی نیز تحولات گسترده‌ای یافت و رویکردهای مختلفی از آن شکل گرفت، یکی از برجسته‌ترین رویکردهای جدید، نقد روان‌شناختی است. در نقد روان‌شناسانه، ناقد بیشتر به خالق اثر ادبی و شخصیت او توجه می‌کند. شخصیت در روان‌شناسی عبارت است از: «سبک‌ها و روش‌های ویژه‌ای که هر انسان در تفکر و رفتار دارد. به عبارت دیگر نحوهٔ خاص فکرکردن و رفتارکردن هر شخص منعکس‌کننده شخصیت اوست.» (دارابی، ۱۳۸۸ش: ۱۸۷) پس شخصیت هر فرد گرایش‌های دیرینه سرشتی او و آن واقعیت بنیادینی است که زمینه‌ساز تفاوت‌های فردی مهم در رفتار محسوب می‌شود. (آیسنک، ۱۳۷۷ش: ۵۷) بنابراین باید گفت هر فردی سبک خود؛ یعنی شخصیت خاص خود را دارد که از او انسانی واحد و منحصر به فرد می‌سازد. همانطور که انسانها از نظر خطوط چهره، شیوهٔ راه رفتن، حرف زدن و... با یکدیگر متفاوت هستند، از نظر شخصیت نیز با یکدیگر تفاوت دارند. (گنجی، ۱۳۸۳ش: ۲۱۹) علاوه بر این عوامل وراثتی و محیطی در تقویت و تضعیف ویژگی‌های شخصیتی انسان مؤثر هستند و همین عوامل هستند که باعث می‌شوند شخصیت انسان‌ها متفاوت از هم باشد و تیپ‌های شخصیتی متفاوتی به وجود می‌آید.

یکی از موضوعات مطرح در روان‌شناسی شخصیت، بحث تیپ‌شناسی است و الگوی نه‌گانه شناخت شخصیت، مشهور به نظریه «انیاگرام» (Enneagram) از مباحث مهم تیپ‌شناسی در روان‌شناسی جدید است. «انیا» به معنی عدد نه و «گرام» به معنی شکل یا وجه است؛ بنابراین انیاگرام؛ یعنی نه‌وجهی. در این نظریه، انسان‌ها از لحاظ تیپ روان به نه گروه تقسیم می‌شوند و هر گروه ویژگی‌های مخصوص به خود دارند. (دارابی، ۱۳۸۸ش: ۲۰۶) چنانکه گفته شد بر اساس عوامل محیطی و وراثتی، ویژگی‌های یکی از این تیپ‌های نه‌گانه، الگوی انیاگرام در هر انسانی تقویت می‌شود و شخصیت اصلی او را شکل می‌دهد. این مسأله در مورد شاعران و ادیبان نیز مصداق دارد. زیرا شکل‌گیری شخصیت آنها نیز مانند دیگر انسان‌ها متأثر از عوامل وراثتی و محیطی است پس شخصیت آنها نیز با توجه به این تأثیرپذیری تقسیم‌بندی می‌شود و ویژگی‌های یکی از تیپ‌های شخصیتی در آنها بیشتر بروز می‌کند. از آنجا که شاعر در سرودن شعر از عالم درونی و روانی خود تأثیر بسزایی می‌پذیرد، با کنکاش در لایه‌های شخصیت یک شاعر و تحلیل و تفسیر شعر او بر اساس عوامل و ابزارهای روان‌شناسانه و شخصیتی، متوجه انعکاس شخصیت و ویژگی‌های منحصر به فرد او در شعرش می‌شویم. در واقع، شعر هر شاعر جلوه‌ای از ویژگی‌های شخصیت او و دنیای درونی اوست که در قالب شعر منعکس شده است. (خزلی و گودرزی لمراسکی، ۱۳۹۳ش: ۶۵) این پژوهش با توجه به محیط فرهنگی-اجتماعی خاصی که در دورهٔ جاهلیت وجود داشته است و با تکیه بر نظریهٔ انیاگرام به بررسی اشعار عروه بن ورد، شاعر نامدار این دوره می‌پردازد و با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ پرسش‌های زیر است:

- ۱- عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت عروۀ کدام است و شخصیت وی با کدام یک از تیپ‌های شخصیتی انیاگرام انطباق بیشتری دارد؟
- ۲- بازتاب تیپ شخصیتی عروه در اشعارش چگونه است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

در کتابهای تاریخ و ادبیات قدیم عرب مثل «الجامع فی تاریخ الأدب العربی» از حنا الفاخوری و «تاریخ الأدب العربی العصر الجاهلی» از شوقی ضیف و «الأغانی» از أبو الفرج إصفهانی به گوشه‌هایی از زندگانی و اشعار شاعران جاهلی از جمله عروۀ بن ورد پرداخته شده و در دوره معاصر نیز پژوهش‌هایی درباره شخصیت و اشعار عروه صورت پذیرفته است از جمله: پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات عربی با عنوان «بررسی جنبه‌های انسانی، اخلاقی و اجتماعی عروۀ» (۱۳۹۲ش) از جواد اسدپور فضل‌اللهی که محقق در آن به مقایسه‌ای تطبیقی در اخلاق اجتماعی و انسانی صعالیک از جمله عروۀ بن ورد با روزگار معاصر پرداخته و جنبه‌های اخلاقی وی را بیان نموده است. همچنین مقاله «الحوار فی شعر عروۀ» از محمد خلیل الخلالیه به بررسی عنصر «حوار» در اشعار عروۀ پرداخته است. مقاله «تبیین مؤلفه‌های شادمانی و مثبت‌گرایی در اشعار عروۀ بن ورد» (۱۳۹۵ش) از عباس اقبالی و عبدالحسین ذکایی که در این پژوهش مفاهیم روان‌شناسی مثبت‌نگری عروه به سیره عیاری و شادمانی وی از زندگی صعلوکی تبیین شده است. در زمینه نقد روان‌شناسی شخصیت نیز مقالاتی نگاشته شده است از جمله: مقاله «روان‌شناسی شخصیت بشارین برد از رهگذر زندگی نامه و گزیده‌ای از اشعارش» (۱۳۹۱ش) از حمید احمدیان و فهیمه میرزایی جابری که در آن با به‌کارگیری نظریات روان‌شناسانی چون آدلر، رانک و فروید و با تکیه بر زندگی و تعدادی از آثار بشار، انگیزه‌ها و روحیات وی را که در آفرینش شعر او مؤثر بوده بیان نموده است. مقاله «نقد روان‌شناسی اشعار عمروبن کلثوم و عتره بن شداد» (۱۳۹۳ش) از مسلم خزلی و حسن گودرزی لمراسکی که با تکیه بر نظریه کهن الگویی یونگ به تحلیل روان‌شناختی و مقایسه شخصیت عمروبن کلثوم و عتره از خلال اشعارشان می‌پردازد. در مورد نظریه «انیاگرام» نیز مقالاتی نگاشته شده است از جمله: مقاله «تحلیل روان‌شناختی تیپ شخصیتی «پادشاه» در داستان پادشاه و کنیزک مثنوی بر مبنای الگوی انیاگرام» (۱۳۹۵ش) از بیتا رضایی و دیگران که در این پژوهش ویژگی‌های شخصیتی پادشاه بر اساس تیپ هشتم الگوی انیاگرام بررسی و یافته‌ها در قالب شکل و جدول ارائه شده است. همچنین مقاله «بررسی شخصیت‌های رمان میر امار بر اساس مکتب انیاگرام» (۱۳۹۴ش) نوشته شکرالله پورالخاص و زهرا سلجوقی که در آن تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه به همراه نقاط قوت و ضعفشان ذکر شده سپس به نوع تیپ شخصیتی هفت شخصیت اصلی داستان میر امار به

صورت گذرا اشاره‌ای شده است. چنانکه می‌بینیم پژوهش‌های یاد شده به «بررسی تیپ شخصیتی «عروه» بر اساس «نظریه انیاگرام» از خلال اشعارش» که موضوع این پژوهش است پرداخته‌اند.

### ۳. نظریهٔ انیاگرام

بر اساس نظریه انیاگرام، شخصیت افراد مختلف به نُه دسته یا تیپ تقسیم می‌شود که از آنها به عنوان تیپ‌های شخصیتی یاد می‌شود. هر فرد (بعد از بیست سالگی) یک تیپ شخصیتی دارد که در طول عمر تغییر نمی‌کند؛ اما درون همان تیپ شخصیتی، می‌تواند مراحل مختلف رشد انسانی (مراحل سالم، متوسط و ناسالم) در نوسان باشد. (کاراندیش، ۱۳۹۴ش: ۵۶) نماد انیاگرام به شکل دایره است که نُه نقطه بر روی آن با فواصل یکسان توسط نُه خط به هم وصل شده است. هر یک از این نقاط نشانگر یکی از ۹ شخصیت اصلی است. (شکل ۱)



شکل ۱: نماد انیاگرام و تیپ‌های شخصیتی نُه گانه بر روی انیاگرام

هیچ‌یک از این شخصیت‌های نُه گانه ذاتاً بهتر یا بدتر از شخصیت‌های دیگر نیستند. (ریچارد ریزو، ۱۳۸۳ش: ۴۷) هر یک از این شخصیت‌های نُه گانه دارای خصوصیات منحصر به فرد خود و نقاط ضعف و قوت مختص خود هستند و از این حیث هیچ نوع برتری بر یکدیگر ندارند. (پالمر، ۱۳۹۵ش: ۲۷) آثاری که دربارهٔ این نظریه نوشته شده است، تیپ‌های شخصیتی نُه گانه با ویژگی‌ها و نقاط قوت و ضعف آنها به شکل زیر دسته بندی نموده‌اند.

جدول ۱: تیپ‌های نه‌گانه انیاگرام و محاسن شخصیتی آنها

ردیف	نام تیپ	محاسن شخصیتی تیپها
تیپ ۱	اصلاح‌طلب و کمالگرا	مسئول و جدی، قابل اعتماد، اخلاق‌مدار، صادق، منضبط، آرمان‌گرا، عادل.
تیپ ۲	مهرطلب و کمک‌گرا	مهربان، دلسوز، فداکار و باگذشت، سخاوتمند، پشتیبان و پذیرا، سازگار، حساس، دگرخواه و دگران‌دیش.
تیپ ۳	موفقیت‌طلب	هدف‌گرا، پرنرژی و فعال، قاطع، مدیر و بازاریاب، پرشور، مبدع، مؤثر و موفق.
تیپ ۴	هنردوست و فردگرا	خلاق و آراسته، کنجکاو، میهن‌پرست، اصیل، نوگرا، مهربان، پر بار.
تیپ ۵	فکور	بافکر، تحلیل‌گر، حقیقت‌جو، دلسوز و خونسرد، فلسفه‌گرا، آگاه، بذله‌گو.
تیپ ۶	وفاخو و وفاجو	قابل اعتماد، باحساس، راسخ و پایدار، محتاط، مدعی‌حق، باتدبیر.
تیپ ۷	خوشگذران و لذتگرا	برونگرا اجتماعی، شاد، خوش‌قلب، خوش‌بین، پرنرژی، شلوغ، هوشیار.
تیپ ۸	رهبر و مدیر	رهبر و کاردان، شجاع، پرنرژی، باقدرت، بااراده، عادل، متکی به خود.
تیپ ۹	صلح‌طلب و میانه‌گرا	متین، صبور، صلح‌جو، سازگار، منصف، کم‌توقع، دلگرم‌کننده، خونسرد.

(دقیقیان، ۱۳۸۹: ۷۹، ۱۰۳، ۱۲۵، ۱۴۵، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۰۹، ۲۲۹ و ۲۴۹)

جدول ۲: تیپ‌های نه‌گانه انیاگرام و معایب شخصیتی آنها

ردیف	نام تیپ	معایب شخصیتی تیپها
تیپ ۱	اصلاح‌طلب	متوقع و زورگو، عصبانی، نصیحت‌گر، قضاوت‌گر، عیب‌جو، ریزبین، ...
تیپ ۲	کمک‌گرا	فضول، حسود و کوتاه‌فکر، نیازمند و محتاج، مداخله‌گر، متوقع.
تیپ ۳	موفقیت‌طلب	باسیاست و حسابگر، خود بزرگ‌بین، کم‌احساس، بسیار پرکار، متظاهر.
تیپ ۴	هنردوست و فردگرا	خودشیفته، ماتم‌طلب، نمایشگر و خودنما، دوری‌گزین و فرار، بی‌حوصله.
تیپ ۵	فکور	دانش‌گرا، مزوی و کم‌عاطفه، ناتوان در برقراری ارتباط، مرموز، طمع‌کار.
تیپ ۶	وفاخو و وفاجو	شکاک، تنگ‌نظر، سخت‌گیر، متعصب، جاه‌طلب، منفی‌باف، بی‌اراده، مستبد.
تیپ ۷	خوشگذران و لذتگرا	ناسازگار، غیرمسئول و خوشگذران، کند، پرحرف، فراموشکار، بدون فکر.
تیپ ۸	رهبر و مدیر	انتقام‌جو، کنترل‌کننده، سخت‌گیر و مستبد، پرتلاطم و افراطی، خود بزرگ‌بین، کم‌عاطفه، تهدیدگر، مقابله‌گر.
تیپ ۹	صلح‌طلب و میانه‌گرا	تنبل، دنباله‌رو، بی‌اراده، غیرمتعهد، فراموشکار، بی‌حوصله، خودرأی.

(دقیقیان، ۱۳۸۹: ۷۹، ۱۰۳، ۱۲۵، ۱۴۵، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۰۹، ۲۲۹ و ۲۴۹)

در الگوی انیاگرام تیپ‌های نه‌گانه بر اساس مراکز شعور انسانی (مرکز احساس، مرکز تفکر، مرکز تحرک) به سه گروه سه‌تایی تقسیم می‌شوند. (دقیقیان، ۱۳۸۹ش: ۵۷)

این سه گروه عبارتند از: ۱) مجموعه سه عنصری احساس‌گرا یا تیپ‌های مرکز احساس و یا مثلث دل که شامل تیپ‌های ۲ و ۳ و ۴ می‌شود. ۲) مجموعه سه عنصری عمل‌گرا یا تیپ‌های مرکز تفکر و یا مثلث اراده که شامل تیپ‌های ۵ و ۶ و ۷ می‌شود. ۳) مجموعه سه عنصری ادراک‌گرا یا تیپ‌های مرکز تحرک و یا مثلث اراده که شامل تیپ‌های ۸ و ۹ و ۱۰ می‌شود. (حسینیان، ۱۳۹۱ش: ۱۳۱) شخصیت‌های موجود در هر گروه سه‌تایی، در داشتن صفات آن گروه سه‌تایی مشترک هستند ولی در شدت ضعف و قدرت آن صفت با یکدیگر تفاوت دارند. یکی از سه شخصیت موجود در هر گروه سه‌تایی، رشد بیشتر از حد معمول دارد. شخصیت دوم گروه سه‌تایی در زمینه صفت مشخصه آن گروه، رشد کمتر از حد معمول دارد و شخصیت سوم موجود در آن گروه، بیش از همه از صفت مشخصه آن گروه فاصله دارد. برای مثال در گروه عمل‌گرا یکی شخصیت عمل‌گرای بسیار قوی و یکی شخصیت عمل‌گرای بسیار ضعیف داشته (یعنی در نقطه مقابل عمل‌گرا بوده و بیشتر فکر می‌کند و نه عمل) و شخصیت دیگر، بین عمل-گرای بسیار قوی و ضعیف قرار می‌گیرد (ریچارد ریزو، ۱۳۸۳ش: ۵۰)

هر فرد دارای یک تیپ شخصیت اصلی است و بیشترین ویژگی‌های آن تیپ را دارد؛ اما از تیپ‌های دیگر هم اثر می‌پذیرد و این اثرپذیری عمدتاً از تیپ‌های همجوار است که بال (wing) نامیده می‌شود. (آهنگر، ۱۳۸۵ش: ۱۹) طبق نظریهٔ انیاگرام تیپ شخصیتی هر فرد تحت تأثیر یک یا هر دو تیپ شخصیتی که بال‌های او هستند؛ قرار می‌گیرد. مثلاً بال‌های تیپ شخصیتی یک، تیپ شخصیتی ۹ و تیپ شخصیتی ۲ هستند که می‌تواند در او قوی‌تر یا ضعیف‌تر شود؛ یعنی تیپ یک می‌تواند دارای شخصیتی باشد با بال قوی‌تر یا با بال قوی‌تر. (دقیقیان، ۱۳۸۹ش: ۷۵)

هر تیپ شخصیتی علاوه بر دو بال، دو تیپ مرتبط دیگر نیز دارد که تیپ آرامشی و تیپ تنشی نامیده می‌شود. تیپ تنشی فرد تپیی است که وقتی فرد احساس تنش و فشار می‌کند یا زمانی که برای یک حرکت خود را آماده می‌کند به آن تیپ جابه‌جا می‌شود و تیپ آرامشی فرد، تپیی است که وقتی احساس آرامش و راحتی می‌کند یا وقتی احساس درهم‌کوفتگی یا خستگی می‌کند به آن تیپ جابه‌جا می‌شود. هر تیپ انیاگرام، تیپ آرامشی و تیپ تنشی مخصوص خود را دارد که در شکل انیاگرام (شکل شماره ۱) تیپ تنشی در جهت پیکان و تیپ آرامشی در خلاف جهت پیکان نشان داده شده است. (دانیلز و پرایس، ۱۳۹۱ش: ۲۱)

#### ۴. عوامل مؤثر بر تشکیل شخصیت عروه

برخی «عوامل تشکیل دهنده شخصیت عبارتند از: وراثت، محیط، یادگیری، والدین، رشد هوشیاری و ناهشیار. نظریه‌پردازان شخصیت، معتقدند که شخصیت، تحت تأثیر محیط اجتماعی و خانوادگی قرار دارد.» (شولتز، بی‌تا: ۵۵۰) عروه بن ورد عبسی، صلوک نامدار جاهلی پدرش از دلاوران و بزرگان قبیله عبس بود ولی مردم قبیله نسبت به وی بدبین بودند چراکه او را به خاطر گروگان‌گیری حذیفه، عامل ایجاد جنگ داحس و غبراء می‌دانستند و این بدبینی قبیله نسبت به پدرش در زندگی او تأثیر گذاشت. مادرش نیز از قبیله نهد، عشیره‌ای کم ارج از قضاغه بود و همین عروه را آزار می‌داد و در اعماق خویش احساس عار می‌کرد. عروه برادر بزرگتری داشت که غنی و ثروتمند بود با این وجود پدرش او را بر عروه در بخشش اموال و ابراز مهر و محبت مقدم می‌داشت و عروه را با اینکه ضعیفتر و محتاج‌تر بود رها می‌کرد. (الإصفهانی، ۱۹۹۴م: ج ۳ / ۶۱) این ظلم و نابرابری که پدرش در حق عروه روا داشت همان ظلمی بود که عروه در جامعه خویش به شکل وسیعتر مشاهده می‌کرد. جامعه‌ای دو قطبی که دارای دو طبقه ثروتمند و فقیر در نظام قبیله‌ای بود. «گروهی ثروتمند که حاکمیت و سیادت در اختیار آنها بود و گروهی فقیر، که شغلی جز چراندن دام‌ها و گوسفندان نداشتند و این نیز برای همه آنها فراهم نبود.» (مروه، ۱۹۹۰م: ۱۵۲) تمام این عوامل همراه با «سه جریان شدید فاصله طبقاتی، تبعیض نژادی و پایبندی به آداب و رسوم سخت قبیله‌ای که از واقعیت‌های دردآور جامعه جاهلی بود.» (افخمی، جمشیدی و آموزگار، ۱۳۹۵ش: ۴۶) باعث شد که عروه به گروه صالحیک بپیوندد و با اعمال و رفتارش اعتراض و نارضایتی خود را نسبت به نظام و ساختار حاکم بر جامعه اعلام کند و برای تحقق عدالت اجتماعی و توازن اقتصادی به دشمنی با اُغنیا و همنوایی و همدستی با بینوایان پردازد. عروه از این شرایط ناگوار اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زمان خویش که باعث به حاشیه راندن تهیدستان و فقر و گرسنگی آنان و نداشتن حرمت و منزلت اجتماعی، از دست دادن حقوق انسانی و بی‌پناهی و آوارگی آنان شده بود؛ رنج می‌برد. جامعه آن روزگار او را دردمند ساخته بود، درد حقارت و این همان عاملی بود که به اعمال و رفتارش جهت بخشید. از این رو عروه برای جبران کاستی‌های خود کوشید تا از راه عیاری، حقوق پایمال شده خویش و گرسنگان را از ثروتمندان بخیل بگیرد او برای اثبات خویش و جلب توجه و احترام دیگران به جنگ و غارت روی آورد تا داد انسانهای ستمدیده و مظلوم را از ستمگران، شکم پروران و بخیلانی که از رحم و مروّت و انسانیت بویی نبرده و درد گرسنگی و فقر را نچشیده‌اند، بگیرد. (افخمی، ۱۳۸۶ش: ۲۰۶-۲۰۷)



## ۵. ویژگیهای شخصیتی عروه از خلال اشعارش

دیوان عروه سرشار از ابیاتی با موضوعات و مفاهیم انسانی؛ نظیر مهمان‌نوازی، بخشندگی و سخاوت، جنگ و غارت ثروتمندان بخیل به منظور مبارزه با فقر و اختلاف طبقاتی است. زیرا وی « به رغم زندگی تلخ و مرارت‌بار عیاران، نه به اجبار بلکه به اختیار و با انگیزهٔ انسانی، راه صعالیک را در پیش گرفت و با وجود مشقت‌های زندگی عیاران، نسبت به راه برگزیده‌اش شادمان بود.» (اقبالی و ذکایی، ۱۳۹۵: ۲۲) از این رو سروده‌هایش نیز برخاسته از شخصیت و احساس درونی او است که در قالب معانی و مفاهیم زیر منعکس شده است.

### ۱-۵. توجه به دیگران و مهرورزی

مهربانی و شفقت ویژگی برجستهٔ عروه، شاعر جاهلی است. قلب او آکنده از رأفت و دوستی نسبت به فقیران و نیازمندان است و همواره آمادهٔ خدمت‌رسانی و کمک به ایشان. او به محض اینکه احساس کند جایی به کمک وی نیاز است دریغ نمی‌کند، چنانکه در الأغانی آمده است در سالهای خشک و قحطی که مردان قبیله، پیران و بیماران و ناتوانان را می‌گذاشتند و می‌رفتند، عروه به کمک اینان برمی‌خاست و کومه‌ها و سردابهایی به ایشان اختصاص می‌داد و از ایشان پرستاری می‌کرد. آنگاه با بیمارانی که شفا یافته و ناتوانهایی که قوت گرفته بودند به غارت و راهزنی می‌رفت، و باقیمانده‌گان را نیز در غنیمتش سهمی بود. چنانکه وقتی خشکسالی پایان می‌یافت و آوارگان به قبیله باز می‌گشتند برخی به کلی مستغنی می‌شدند. از این رو وی را عروه الصعالیک نامیدند. (الإصفهانی، ۱۹۹۴م: ج ۵۵/۳)

همچنین آمده است که قبیله معدّ سالها دچار خشکسالی شدیدی شد و در آن سالها عروه در میان قومش نبود وقتی برگشت آنها را دید که از شدت گرسنگی و بی‌حالی در آغلی افتاده‌اند، وی دلش برای آنها سوخت و فوراً شتر خود را برای آنها قربانی و گوشت آن را میان آنها تقسیم کرد و از آنها خواست که آماده جنگ و غارت شوند زیرا با جنگ و غارت، یا فقر و گرسنگی خود را برطرف می‌نمایند یا اینکه جان خود را از دست داده، به راحتی ابدی می‌رسند. (علی، ج ۱۸، بی‌تا: ۱۹۲) خود شاعر نیز در اشعارش به این موضوع اشاره کرده است:

عشیهٔ بتاعند ماوان رزح	فقلتُ لقومٍ فی الکتیفِ: ترّوحوا
الی مستراحٍ من حمامٍ مبرح	تنالوا الغنی أو تبلغوا بنفوسکم
بقیة لحمٍ من جزور مملّح	...ینوؤون بالایدی، و أفضل زادهم

(عروه، ۱۹۹۸م: ۵۱)

ترجمه: «پس به قوم که خسته و رنجور در آغل افتاده بودند گفتم: حرکت کنید دیشب را در منطقه ماوان گذرانیدیم. حرکت کنید تا به ثروت و بی‌نیازی یا به آسایش ابدی برسیم. این قوم این قدر خسته و رنجور بودند

که برای برخاستن بر دستان خود تکیه می‌کردند و بهترین زاد و توشه آنها بقیه گوشت و چربی شتری بود که من برای آنها قربانی کرده بودم.»

ابیات فوق بیانگر این است که عروه به خاطر مهربانی و دلسوزی قلبی نمی‌تواند درد و رنج اصحاب و یاران خود را ببیند پس به کمک آنها می‌شتابد و شتر خود را برای آنها قربانی می‌کند و آنها را برای به دست آوردن غنیمت و مبارزه با فقر و گرسنگی راهنمایی می‌کند. بروز چنین رفتارهای انسانی از عروه بیانگر تیپ شخصیتی وی است که با ویژگیهای شخصیتی تیپ دو (امدادگر) در الگوی انیاگرام تطابق دارد چرا که افراد متعلق به تیپ دو (امدادگر) شدیداً مهربانند و عاشق کمک کردن به دیگران، اغلب برای کمک منتظر درخواست دیگران نیستند و به محض اینکه احساس کنند جایی به کمک آنها نیاز است درنگ نمی‌کنند. آنها از فراهم کردن راحتی و آسایش برای دیگران لذت می‌برند و معمولاً به سمت افرادی که در زندگی با آنها بدرفتاری شده است کشیده می‌شوند و بیشتر، افرادی که به کمک نیاز داشته باشند هدف او هستند. (پالمر، ۱۳۹۵ش: ۹۶) عروه نیز اغلب برای رفاه و آسایش افراد فقیر و درمانده و ناتوان که از قبیله رانده شده بودند تلاش می‌کرد او با دلسوزی و مهرورزی و خدمت‌رسانی خویش به بینوایان شخصیت تیپ دو با بال قوی تیپ یک را نمایان می‌سازد زیرا «آنگاه که مهربانی تیپ دو و رعایت اصول اخلاقی تیپ یک در کنار هم قرار گیرند تمایل شدیدی برای رفع درد و رنج افراد جامعه به وجود می‌آید.» (دقیقیان، ۱۳۸۹ش: ۱۱۲)

از دیگر ویژگیهای تیپ دو این است که منبع خیرخواهی و عشق در محیط اطراف خود به حساب می‌آیند. آنها بیشترین مردم‌داری را در میان تیپ‌های نه‌گانه دارند. ایشان مایلند نیکی را به زندگی خود وارد سازند و از صمیم قلب از حمایت کردن دیگران همراه با توجه و مراقبت لذت می‌برند. تا آنجا که می‌توانند برای مردم کار نیک می‌کنند. (ریسو و هادسون، ۱۳۹۱ش: ۸۰) عروه نیز دارای شخصیتی خدمت‌رسان و مهربان است و به حمایت و دستگیری دوستان و یاران و همسایگان خود می‌پردازد. وی (صعلکه) را از ابواب «مروت» می‌شمارد و آن را به منزله روشی برای یاری و تعاون اجتماعی بین خود و قبیله‌اش انتخاب کرده‌است. (ذکاو، ۱۳۷۳ش: ۳۷)؛ اما باید خاطر نشان کرد که عملکرد تیپ دو در کمک‌رسانی به دیگران در واقع خواسته درونی خود او است. تعصب او در امداد‌رسانی، بی‌چشمداشت نبود و در واقع تقلید کاذبی بود از بخشش و محبت حقیقی. این تلاش برای حفظ بقا از راه جلب رضایت دیگران است تا بدین وسیله از ذات و گوهر درونی حساس خود محافظت کرده باشد. (پالمر، ۱۳۹۵ش: ۸۲) در واقع افراد تیپ دو افرادی بسیار مهربان هستند که می‌خواهند با کمک کردن به هویت خود ارزش بدهند. عروه نیز با کمک به دیگران و مهرورزی به دنبال ارزشمندسازی خود است. وی خود را ملزم به دفاع از دیگران در برابر خطر یا فقر و گرسنگی می‌داند. همانطور که انسان تشنه نمی‌تواند از نوشیدن آب صرف‌نظر کند او نیز نمی‌تواند از دفاع و حمایت

ضعیفان چشم‌پوشی کند. او از همسایهٔ خود در برابر حوادث روزگار حمایت و در هنگام سختی و فقر بدون منت به او کمک می‌کند و می‌گوید:

فلا أترك الإخوان ما عشتُ للزدي  
و لا يستصام الدهر جاري و لا أرى  
كما أنه لا يترك الماء شاربهُ  
گمن بات تسري للصدیق عقاربه

(عروة، ۱۹۹۸م: ۴۸)

ترجمه: «تا زنده‌ام دوستان و هم‌کیشان خود را در برابر مرگ و نابودی حفظ می‌کنم و آنها را رها نمی‌کنم همچنانکه تشنگان، نوشیدن آب را ترک نمی‌کنند. در سالهای قحطی حقوق همسایه را رعایت می‌کنم و از جانب من به او ظلمی نمی‌شود. و در میان قبیله، مانند کسی نیستم که در بین دوستان و اقوام سخن چینی کنم و رابطهٔ آنها را به هم بزنم.»

از نظر افراد تپ دو، مردم نیازمند به نظر می‌رسند و به کمک او نیاز دارند و او نیازی به کمک دیگران ندارد؛ اما در واقع، فداکاری و بخشندگی او بر نیازش به تأیید و حمایت از دیگران سرپوش می‌نهد. او توقع دارد که به خاطر بخشش، از خود گذشتگی و حمایت‌هایش جایگاه ویژه‌ای نصیبش شود. به بیان دیگر او از طریق دیگران به شکل غیر مستقیم خود را ابراز می‌کند. (پالمر، ۱۳۹۵ش: ۸۶) عروه بر این باور است که در اطراف او انسانهایی هستند که به کمک او احتیاج دارند. زنان بی‌سرپرستی که از شدت سرما و گرسنگی دستهای آنها سیاه شده و مردانی پیر و ناتوان که نیازمند کمک او هستند. پس هنگامی که همسرش او را از خطرکردن باز می‌دارد، نمی‌پذیرد و همسرش را به صبر دعوت می‌کند و خود آسایش و راحتی را رها کرده به دنبال جنگ و غارت می‌رود تا بتواند غنائمی به دست آورد، تا زمانی که نیازمندان از خویشان و دوستان به خانهٔ او پناه می‌آورند به آنها کمک کند و بدین‌گونه خود را ارزشمند جلوه دهد، پس می‌گوید:

أبی الخفض من يغشاك من ذي قرابة  
و مستهنی، زيد أبوه، فلا أرى  
و من كلّ سواد المعاصم تعتری  
له مدفعا، فاقنی حياءك واصبری

(عروة، ۱۹۹۸م: ۶۸)

ترجمه: «مرا از رفاه و آسایش باز می‌دارند این خویشاوندانی که دور و بر تو را گرفته‌اند، اینها که از زور گرسنگی مچ دستشان سیاه شده، این فرزندان پدربزرگم که نمی‌توانم آنها را برانم. پس تو صبر پیشه کن.» گاهی تپ دو، شخصیت دوگانه‌ای دارد، فردی مهربان و دلسوز همراه با جدیت و خشونت. خط متصل‌کننده تپ دو و هشت (شکل یک) به تضاد موجود بین این دو حالت اشاره دارد. عروه نسبت به تهیدستان و ضعیفان قبیله مهربان و دلسوز و در مقابل ثروتمندان بخیل - که عروه معتقد است بخشی از اموال آنها حق مسلم فقیران است - خشن و مقتدر است. او با افتخار در مورد غارت اموال ثروتمندان بخیل می‌گوید:

و عيَابَةٌ لِلْجُودِ لَمْ يَدْرِ أَتَيْتِي  
بِأَنْهَابِ مَالِ الْبَاخِلِينَ مَوَكَّلِ  
عَدَوْتُ عَلَى مَا اخْتَارَهُ فَحَوَيْتَهُ  
و غَادَرْتُهُ ذَا حَسِيرَةٍ يَتَمَلَّمُ

ترجمه: «آن کس که به دلیل جود و بخششم پیوسته از من ایراد می‌گیرد، نمی‌داند که من به غارت انسان‌های بخیل دست می‌زنم. صبحگاهان بر آنچه انتخاب کرده بودم یورش بردم و به مالکیت خویش درآوردم. سپس او را به حالت حیرت‌زده‌ای که از خشم به خود می‌پیچید ترک گفتم.» (اقبالی و ذکایی، ۱۳۹۵ش: ۲۰) و (عروه، ۱۹۸۶م: ۴۰)

تیپ دو (امدادگر) و هشت (کنترل‌گر) هر دو از انرژی فعال، قطعیت، ایثار، پشتیبانی و حمایت از دیگران برخوردارند، و گرایش به کسب قدرت از خود نشان می‌دهند. تیپ امدادگر در حالت استرس، صریح‌ترو قرص و محکم‌تر می‌شود و خشم خود را بلافاصله نشان می‌دهد و به تیپ هشت جابه‌جا می‌شود. (سررشته‌داری، ۱۳۹۳ش: ۱۰۰) خصوصیات همگانی تیپ ۸ (کنترل‌گر)، قدرتمند و قوی، قاطع، اهل رقابت، استوار، اهل عمل، صریح و رک، مصرّ و خاکی بودن است. (4: wright, 1997) خشم و اقتدار عروه در برابر ثروتمندان بخیل و غارت اموال آنها بیانگر تیپ استرسی وی است که در این حالت شخصیت وی به تیپ هشت جابه‌جا می‌شود. در میدان‌های نبرد و در مصاف با دشمنان و قهرمانان دشمن نیز چنین شخصیتی را از عروه می‌بینیم.

إِذَا قِيلَ يَا ابْنَ الْوَرْدِ أَقْدَمَ إِلَى الْوَعْيِ!  
أَجِبْتُ، فَلَاقَانِي كَمِيٍّ مُقَارِعُ  
بَكَفِّي مِنَ الْمَأْتُورِ، كَالْمِلْحِ لَوْثُهُ  
حَدِيثٌ بِإِخْلَاصِ الذِّكْوَرَةِ، قَاطِعُ  
فَأَتْرَكُهُ بِالْقَاعِ، رَهْنًا بِلَيْدَةٍ،  
تَعَاوَرُهُ فِيهَا الصَّبَاعُ الْخَوَامِعُ  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۸۱)

ترجمه: «هنگامی که به من گفته شود: ای ابن‌الورد به میدان جنگ بشتاب. من لیبک می‌گویم و با قهرمان مبارزی روبرو می‌شوم در حالیکه در دستان این جنگجوی شجاع شمشیری است که از اجداد خود به ارث برده و این شمشیردرخشان مانند نمک و تیز و برنده است. پس من این جنگجو را کشتم و در زمین رهاکردم تا طعمهٔ درندگان باشد که یکی پس از دیگری به طرف او می‌آیند.»

## ۲-۵. بخشندگی و سخاوت

از آن‌جایی که در صحرا، ضروریات اساسی زندگی کمیاب است، بی‌تردید بخشش مال و کمک به دیگران، یکی از جنبه‌های ضروری برای زنده ماندن بود این حس باعث شده بود تا عرب بخشنده و جوانمرد باشد و در بخشش مبالغه کند و در این راه، مال و ثروت را ناچیز شمرد و بخشش و کرم را یکی از مظاهر سیادت و سروری بداند. (حوفی، ۱۹۴۹م: ۲۳۶) عروه نیز به خاطر شفقت و دلسوزی نسبت به مستمندان کرم و بخشش زیادی داشت تا آنجا که وی در غنائم حاصل از جنگها خود را بر دیگران مقدم نمی‌داشت و سهمی به اندازهٔ یک خانه‌نشین و مریض برمی‌داشت و بدین گونه ضرب

المثل مهربانی و دلسوزی و سخاوتمندی و ایثار بود. تا آنجا که عبدالملک بن مروان می‌گوید: هر کس حاتم را سخی‌ترین مرد بشمارد به عروه ظلم کرده است. (ضیف، ۱۱۱۹م: ۳۸۴) دارایی و ثروت در نظر او وسیله‌ای برای کسب شهرت و بقای نام و یاد او در اذهان مردم است. از آنجا که افراد دارای تیپ شخصیتی امدادگر بسیار تمایل دارند که مورد توجه واقع شده و دیگران آنها را به خاطر بیاورند. واهمه دارند از این که دیگران آن‌ها را نادیده گرفته یا اینکه آنها را فراموش کنند. (دقیقیان، ۱۳۸ش: ۱۰۸) پس تمایل به شهرت و خلود و جاودانگی و ذکر نام نیک شاعر را به جنگ و غارت می‌کشاند تا با کسب ثروت و غنیمت و بخشش آن به فقرا بتواند نام نیک از خود به جا بگذارد:

ذرینی و نفسی، امّ حسان، اینی  
بها، قبل أن لا أملك البیع، مشتري  
أحادیث تبقی، والفتی غیر خالد  
إذا هو أمسی هامة فوق صیر  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۶۷)

ترجمه: «امّ حسان مرا به حال خود واگذار، زیرا قبل از اینکه مرگ به سراغم بیاید- قبل از اینکه نتوانم کالاهای مختلف را خرید و فروش کنم- خریدار نام نیکی که همیشه جاودان می‌ماند، هستم، در حالیکه هر انسانی فناپذیر است و در آن زمان که در گور جای می‌گیرد نابود می‌شود.»

افراد تیپ امدادگر تمایل دارند که با نشان دادن مهر و محبت، بخشش و خدمتگزاری به دیگران خود را مورد عنایت آنها قرار دهند آنها نیازهای خود را نشان نمی‌دهند و تصور می‌کنند باید جوابگوی درخواست دیگران باشند تا مبدا عشق و علاقه آنان را از دست بدهند. (دقیقیان، ۱۳۸۹ش: ۱۰۷) عروه نیز با انفاق و بخشش اموال خود در هنگام خشکسالی و قحطی و تحمل سختی و گرسنگی آبروی خود را حفظ می‌کند و خواهان خلود نام و یاد خود است:

فعبدک، عمرالله، هل تعلمیننی  
صبوراً علی رزء الموالی، وحافظاً  
کریماً، إذا أسود الأنامل، أزهرأ  
لعرضٍ، حتی یؤکل النبت أخضرأ  
أقبّ، ومخماص الشتاء، مرزأ  
إذا اغبرّ أولاد الأذلة أسفراً  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۶۶)

ترجمه: «به خدا قسم شما می‌دانید که من کریم و بخشنده هستم در زمانی که انگشتان فقراء از شدت گرسنگی سیاه شده است. من بر درخواستهای فقیران صبر می‌کنم و آبروی خود را حفظ می‌کنم تا اینکه فصل بهار بیاید و برگ درختان سبز شود. من در فصل زمستان گرسنگی را تحمل می‌کنم و غذای خود را به فقرا می-بخشم در حالیکه بشاش و گشاده‌رو هستم در هنگامی که ثروتمندان خسیس و لثیم عبوس و ناراحت هستند.»

شخصیت امدادگر اغلب به محیط خارج مهرورز می‌ورزد و توجه می‌کند و کمتر به خود و خواسته‌های خود می‌پردازد و این امر موجب می‌شود به دیگران متکی شوند تا به نیاز درونی آنان پاسخ داده‌شود. به همین علت، هویت فردی و ارزشی خود را با مهربانی و کمک کردن به دیگران می‌سنجند.

برای کسب اطمینان از ارزشمندی خود، این باور غلط در آن‌ها به وجود می‌آید که بهترین شکل زندگی کردن بخشندگی و مهرورزی است. (دقیقیان، ۱۳۵۸ش: ۱۰۸) عروه نیز برای جبران درد حقارت و ارزشمند جلوه دادن خود مدام به فکر رفع مشکل فقر و نداری از تیره‌روزان و ضعفا بود. او در هنگام قحطی و در سرمای زمستان اموال و غذای خود را به فقیران و همسایگان می‌بخشید و جان آنها را حفظ می‌کرد.

هَلَّا سَأَلْتَ بَنِي عَيْلَانَ كُلَّهُمْ      عِنْدَ السَّنِينِ إِذَا مَا هَبَّتِ الرِّيحُ  
قَدْ حَانَ قَدْحُ عَيْلَانَ الْحَيِّ إِذْ شَبِعُوا      وَأَخَّرُ لَذْوِي الْجِيرَانِ مَمْنُوحُ  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۵۵)

ترجمه: «چرا از طایفه بنی‌عیلان نمی‌پرسی ما در سالهای قحطی هنگام سردی زمستان کاسه‌ای از غذا را برای فقیران قبیله پرمی‌کردیم و کاسه‌ای دیگر را به همسایگان می‌بخشیدیم.»  
ویژگی بخشنده بودن و کمک کردن به دیگران موجب می‌شود تا افراد تیپ دو (امدادگر) احساس کنند روش آنها ارزشمندترین و بهترین روش زندگی کردن است. (زاللی، ۱۳۹۵ش: ۲۰) راضی نگه‌داشتن دیگران ضامن بقای عروه و افراد دارای تیپ ۲ است و به همین دلیل او می‌بخشد تا از این راه نیاز خودش (احساس ارزشمند بودن) تأمین شود. عروه در سختی و شدت غذای خود را به نیازمندان قبیله و همسایگان می‌بخشید:

أَفِي نَابٍ مِّنْهَاهَا فَقِيرًا      لَهُ بَطْنَانِبَا طَنْبِ مَصِيْتُ  
وَفَضْلَةَ سَمْنَةَ ذَهَبَتْ إِلَيْهِ      وَأَكْثَرَ حَقِّهِ مَا لَا يَفُوتُ  
تَبِيْتُ، عَلَى الْمِرَافِقِ، أُمُّ وَهْبٍ،      وَقَدْ نَامَ الْعَيُونُ، لَهَا كَتِيْتُ  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۴۹)

ترجمه: «آیا به خاطر شتر پیری که من به همسایه بخشیدم و به خاطر اضافه روغنی که در خانه بود و من به همسایه دادم مرا سرزنش می‌کنی در حالیکه حق او بیش از اینها است که او بدان نرسیده است ام وهب بر بازوهایش می‌خوابد در حالیکه چشمانش بسته و سرزنش و بهانه‌گیری می‌کند.»

شاعر در این ابیات همسرش را که او را به خاطر بخشش به همسایه گرسنه خود ملامت می‌کند مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: «حق همسایه از بخشش شتر و اضافه روغنی که در خانه بود بیشتر است و ما قادر به برآوردن حق کامل او نیستیم.» بخشندگی و کرم عروه به حدی است که مردم را شریک اموال خود دانسته و مقداری از آن را حق آنها می‌داند و می‌گوید:

فَإِذَا غَنِيْتُ فَإِنَّ جَارِي نَيْلَهُ      مِنْ نَائِلِي وَمِيسِرِي مَعْهُودُ  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۵۷)

ترجمه: «هرگاه ثروتی به دست آورم، از آن برای همسایه‌ام سهمیه‌ای معین شده است که به آنها می‌بخشم تا از آن استفاده کنند.»

از آنجایی که یکی از توانایی‌های افراد تپ دو (امدادگر) سخاوتمندی و دست و دلباز بودن است (دانیلز و پرایس، ۱۳۹۱ش: ۴۱) عروه نیز نه تنها در هر حالتی بخشنده و سخاوتمند است بلکه نسبت به بخل و خساست نیز کراهت داشته و خود را از آن کاملاً دور می‌داند. چنانکه می‌گوید:

و قد علمت سُلیمی أنّ رأیی	و رأی البخل مختلفٌ شتیئ
و أنّی لا یُرینی البخل رأی	سواءً إن عطشتُ و إن رویتُ

(عروه، ۱۹۹۸م: ۵۰)

ترجمه: «سلیمی به خوبی دانسته است که نظر من با نظر بخل بسیار متفاوت است. من چه تشنه باشم و چه سیراب، اندیشه‌ام به سراغ خست و بخل نمی‌رود.»

### ۳-۵. دگرخواهی

دگرخواهی، فداکاری و ازخود گذشتگی در سراسر دیوان عروه کاملاً متجلی است او همیشه دیگران را بر خود مقدم می‌دارد و غذای روزانهٔ خود را نیز با دیگران تقسیم می‌کند:

و أنت إمروء عافی إنانک واحد	إنّی إمروء عافی إنائی شرکة
بوجهی شحوب الحقّ و الحقّ جاهد	أنهزاً منی أن سمنت و أن تری
أحسو قراح الماء، و الماء بارد	أقسّم جسمی فی جسمٍ کثیرة

(عروه، ۱۹۹۸م: ۶۱)

ترجمه: «من انسانی هستم که بر سر سفره‌ام مهمانان گوناگون حاضر می‌شوند و آنها شریک مال من هستند و تو فردی هستی که ثروتت را به خود اختصاص داده‌ای و دیگران را از آن محروم کرده‌ای. آیا مسخره می‌کنی در حالیکه چاق و فربه شده‌ای و آثار ضعف و لاغری که به خاطر بخشش مالم به نیازمندان و فقرا و ادای دین ممنوع بر چهره‌ام سایه افکنده است را می‌بینی. من رزق و روزی خود را در میان انسانهای زیادی تقسیم می‌کنم و خود برای نجات از مرگ به اندکی آب سرد اکتفا می‌کنم.»

افراد سطح متوسط تپ دو ارزش خود را با پیروی از دستورات وجدان خود در فداکاری برای دیگران می‌بینند. آنان اعتقاد دارند که همیشه باید دیگران را بر خود مقدم بدانند و هر وقت که دیگران به محبت نیاز داشته باشند آنها باید دوست داشتنی و ایثارگر باشند. (زالی، ۱۳۹۵ش: ۲۱) عروه که تمایل دارد فرد مهربان و بخشنده شناخته شود غذا و قوتی را که خود به آن احتیاج دارد به فقرا و نیازمندان می‌بخشد و آنها را در اموال و غذای خود شریک می‌داند. او با این ویژگی شخصیتی را ترسیم می‌کند که با تپ دوم الگوی انیاگرام مطابقت دارد. چرا که در افراد تپ دو (امدادگر) دیگرخواهی آنها بر «خود»

اولویت دارد به گونه‌ای که اول نیازهای دیگران را می‌بینند و سپس خود را. و ما می‌بینیم که چنان خصلت دیگرخواهی و ایثار در وجود عروه نهادینه شده‌است که خوردن غذا را بر خود در حالیکه همسایه‌اش گرسنه است حرام می‌داند و می‌گوید:

فإنَّ حَمِيَّتاً أَبْدأَ حَرَامٌ      و لیس لِحَارِ مَنْزِلِنَا حَمِيَّتٌ  
و رُبَّتْ شَبْعَةٌ آثَرْتُ فِيهَا      يَدأُ، جَاءَتْ تُغَيِّرُ، لَهَا هَيْتٌ  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۴۹)

ترجمه: «همانا ظرف روغن یا قوت بر ما حرام باد در حالیکه همسایه ما قوتی ندارد. و چه بسا که من در یک وعده غذایی دستان دیگر را بر دستان خود ترجیح می‌دهم.»

عروه برای گرفتن حق محرومان و مستضعفان از بخیلان و ثروتمندان به جنگ با آنها می‌پردازد پس هدف او از جنگ خونریزی و کشتار نیست بلکه جنگ وسیله‌ای برای تحقق آرمانهای انسانی اوست و بدین جهت منظره جنگ او آکنده از روح انسانیت است. (مروه، ۱۹۹۰م: ۸۴) از ویژگیهای تیپ دو این است که می‌خواهند نجات بخش دوستان، همسر یا همکاران خود باشند. (ریسو و هادسون، ۱۳۹۱ش: ۸۰) آنها حمایتگرانی ناب هستند. عروه نیز با این ویژگی؛ مانند پدری مهربان در مقابل خانواده و خویشان و همسایگان و نیازمندان قبیله احساس مسئولیت می‌کند و خود را برای راحتی و رفاه آنها به خطر می‌اندازد:

و من یک مثلی ذا عیالٍ و مقترًا      من المال یطرح نفسه کلَّ مطرحٍ  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۵۱)

ترجمه: «هر کس مثل من دارای خانواده زیاد و فقیر باشد خود را به هر خطری می‌اندازد.»

افراد تیپ دو به طور معمول اقدام به ارضای نیازهای خود از طریق تقدم توجه به نیازهای دیگران می‌کنند. به عبارت بهتر، برآوردن نیاز به صیانت نفس خویش را مبتنی بر اولویت دادن به نیازهای دیگران می‌دانند. این گروه احساس می‌کنند که عشق و علاقه دیگران را زمانی به دست خواهند آورد که توجه و مراقبت کردن از آنان را تأمین کنند. آنها از احساس خدمت کردن به دیگران یا فراهم آوردن موجبات آن لذت می‌برند. (ریسو و هادسون، ۱۳۹۱ش: ۸۷) عروه نیز بر این باور است که برای اثبات ارزش خود همیشه باید از خودگذشتگی نشان دهد و دیگران را بر خود مقدم بداند تا مورد محبت آنها قرار گیرد. بنابراین هیچ چیز او را از هدفش باز نمی‌دارد و هنگامی که همسرش او را سرزنش می‌کند و از جنگ بر حذر می‌دارد، نه تنها تسلیم نمی‌شود بلکه به ماجراجویی ادامه می‌دهد تا ثروتی به دست آورد و با آن حقوق دیگران را ادا کند:

دعینی أطوف فی البلاد لعلنی      أفید غنی فیہ لذي الحقِّ محمّل  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۹۷)



ترجمه: «مرا به حال خود رها کن تا در سرزمینها حرکت کنم و غنا و ثروتی به دست آورم تا با آن حقوق فقیران را ادا کنم.»

تیپ دو در مراحل اولیه یک رابطه تسلط دارد زیرا آن جنبه‌های «خود» را که باعث خشنودی طرف مقابل می‌شود به نمایش می‌گذارد. ولی در مراحل بعدی احساس می‌کند که تحت کنترل طرف دیگر رابطه است و میل شدیدی به رهایی و آزاد شدن دارد. او بین عادت به ارضای طرف دیگر و میل به انجام کارهایی که مطلوب خود است گیر می‌افتد و سعی در قانع کردن دیگری دارد تا هم وی آزرده نشود و هم خودش بتواند خواسته‌اش را انجام دهد. (سررشته‌داری، ۱۳۹۳ش: ۹۶) عروه نیز تلاش می‌کند در ایباتی همسر خود را که زبان به ملامت مخاطره‌جویی‌های او گشوده و او را از جنگ و خطر برحذر می‌دارد قانع کند. بدین منظور هدف خود را برای او بیان می‌کند:

ذُرینِی اَطُوفُ فی البلادِ، لعلّنی  
وإن فاز سَهْمی کَفَّکم عن مَقاعدِ  
أُخْلِیک أو أُغْنِیک عن سوءِ محضِر  
لکم خلف أَدبار البیوتِ، و منظر  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۶۷)

ترجمه: «ای زن مرا به حال خود واگذار تا در اطراف زمین حرکت کنم شاید با کشته شدنم تو را از دست خود آزاد کنم و یا اینکه با کسب مال تو را از یک زندگی فقیرانه و تکی‌گری نجات دهم. اگر در جنگ بر مرگ پیروز شوم، شما را از نشستن در اطراف خانه‌های میزبانان و نگاه کردن به غذای دیگران باز داشته‌ام.»

#### ۴-۵. میهمان نوازی

تمایل عرب برای میهمان‌نوازی و بخشندگی، از رغبت او برای به دست آوردن نام نیک و حمد و ثنا نشأت می‌گرفت و بخشش و کرم او، از روشن کردن آتش و قربانی کردن شتران آشکار می‌گردد. (الفخوری، ۱۹۸۶م: ۸۵) عروه، بخشندگی و مهمان‌نوازی را دوست دارد زیرا انجام این امور باعث شهرت وی شده و نام نیکش را بر زبانها جاری می‌سازد لذا او تمام تلاش خود را برای اثبات ارزشمندی خویش به کار می‌برد و صریحاً در مورد فداکاریها و بخشش‌های خود صحبت می‌کند:

یرِیحُ علی اللیلِ أضيافِ ماجِدِ  
کریمِ و مالی سارحاً مالٌ مقترِ  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۷۰)

ترجمه: «شب برای من مهمانان بزرگی را می‌آورد و صبحگاهان، اموال بسیار کم است» عروه در پذیرایی از مهمان کوتاهی نکرده و حساست به خرج نمی‌دهد بلکه دارایی خود را که شتران او هستند برای مهمانانی که شبانه به خانه او می‌آیند قربانی می‌کند به گونه‌ای که صبح وقتی شتران او به چراگاه می‌روند تعداد آنها بسیار کم شده است. مهمان‌نوازی عروه بیانگر قویتر بودن بال تیپ سه (موفقیت‌گرا) در شخصیت اوست چراکه « امدادگری که بال سمت تیپ سه در او قویتر باشد شخصیتش مهمان‌نواز خواهد بود.» (زالی، ۱۳۹۵ش: ۲۳)

افراد تیپ دو نیاز شدیدی به محبت و توجه دیگران داشته و تمایل شدیدی به دوست داشته شدن دارند آنها به طور دائمی از خود سؤال می‌کنند که آیا به اندازه کافی خوب هستم؟ آیا دیگران مرا دوست دارند؟ (دارابی، ۱۳۸۸ش: ۲۱۴) عروه نیز هنگامی که مهمانانی شبانه بر او وارد می‌شوند این دغدغه را دارد که آیا مهمان‌نوازی را به خوبی انجام داده است؟ آیا دیگران از او راضی هستند؟ پس برای اطمینان از نیکو بودن مهمان‌نوازی و بخشش خود از همسرش می‌خواهد از مهمانانی که شبانه بر او وارد می‌شوند بپرسد آیا او هنگام ورود مهمانان بشاش و گشاده‌رو است و بخشش خود را بدون هیچ منت و آزاری به آنها می‌بخشد؟:

سلی الطارق المعترّ یا أمّ مالک  
ایسفر وجهی، إنه أول القرى  
إذا ما أتانی بین قدری و مجزری  
و أبذل معروفی له دون منکری  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۷۸)

ترجمه: «ای ام مالک از کسی که شبانه بر من وارد می‌شود و از من غذای پخته در دیگ یا گوشت خام از کشتارگاه می‌خواهد بپرس که آیا من هنگام بخشش گشاده‌رو هستم که آن اولین قدم مهمان‌نوازی است و آیا بخشش خود را بدون منت و آزار انجام دادم.»

عروه از شدت مهمان‌نوازی، هنگامی که مهمان به سراغ او می‌آید مهمان را صاحب‌خانه می‌داند و تمام امکانات خود را در اختیار او می‌گذارد و خود او نیز کاملاً در خدمت مهمان است و هیچ چیز او را از توجه کردن به مهمانان و خدمت به آنها باز نمی‌دارد و سعی می‌کند که آنها احساس راحتی و آرامش کنند. پس با آنها صحبت می‌کند تا آنها احساس غربت نکنند:

فراشی فراش الضیف و البیتُ بیهة  
أحدثه، إنّ الحدیث من القرى  
ولم یلهنی عنه غزالٌ مقنّع  
وتعلم نفس أنه سوف یهجعُ  
(عروه، ۱۹۹۸م: ۸۳)

ترجمه: «لحاف و تشک من از آن مهمان و خانه من خانه اوست و زن زیبارو مرا از توجه و پذیرایی از مهمان باز نمی‌دارد. من با او صحبت می‌کنم که صحبت کردن اولین اصل مهمان‌نوازی است و من می‌دانم که مهمانان به خاطر خستگی زود می‌خوابند.»

### نتیجه‌گیری

با بررسی اشعار عروه متوجه می‌شویم که درونمایه بیشتر ابیات وی دلسوزی، مهربانی، فداکاری، بخشش و مهمان‌نوازی است که همه این خصوصیات، نمودهایی از احساس‌گرایی در عروه هستند و نشان دهنده تیپ شخصیتی او که با تیپ دو از الگوی انیاگرام (امدادگر) تطابق دارد. هرچند محرک اصلی رفتارهای

انسان دویستانهٔ عروه تلاش برای غلبه بر درد حقارتی بود که به دلیل بدبینی قبیله نسبت به پدرش، احساس ننگ و عار از قبیلهٔ مادرش، ظلم و نابرابری پدرش در حق او و همچنین شرایط ناگوار اجتماعی و اقتصادی و فاصله طبقاتی حاکم بر زمان وی دامنگیر او شده بود؛ پس کوشید از راه عیاری حقوق پایمال شده خویش و گرسنگان را از ظالمان ثروتمند بگیرد. او به دنبال میل به اثبات خویش به کارهایی می‌پردازد که به وی ارزش اجتماعی بخشد و با دگرخواهی و مهرورزی، در واقع با صفاتی عالیتر از صفاتی که او را رنج می‌دهد، در جهت جبران کاستی‌ها و ارزشمندسازی خود گام برمی‌دارد. عروه با خدمت کردن به دیگران و کمک به آنها ویژگیهای تیپ یک (کمال‌گرا) که یکی از بالهای تیپ دو محسوب می‌شود را نشان می‌دهد و با مهمان‌نوازی و گشاده‌رویی و سخاوتمندی در برابر فقیران و مهمانانی که بر او وارد می‌شوند، بال دیگر خود را که همان تیپ سه (پیشرفت‌گرا) است بروز می‌دهد. عروه نسبت به تهیدستان و ضعیفان قبیله مهربان و یاریگر است؛ اما در مقابل ثروتمندان بخیل که در نظر عروه ظالم هستند و عامل اصلی فقر و گرسنگی بینویان، خشن و مقتدر است و برای اعاده‌ی حق خود و فقراء خشم خود را نسبت به آنان ابراز می‌کند و با این رفتارها ویژگی تیپ هشت (کنترل‌گر) را به نمایش می‌گذارد چرا که تیپ دو در حالت تنشی و استرس به سمت رفتارهای تیپ هشت می‌رود. البته تیپ دو (امدادگر) در حالت امن به سمت رفتارهای تیپ چهار (محزون و رماتیک) می‌رود که در این حالت بیشتر درون‌گرا و مراقب خود می‌شود و به کارهای خاص خود توجه دارد که چنین حالتی در اشعار عروه اصلاً دیده نشد چرا که عروه دائم به فکر کمک به دیگران است و به خود و خواسته‌های مادی خویش کمتر توجه می‌کند تا خود را مورد عنایت دیگران قرار دهد.

### کتاب‌های عربی

- الإصفهانی، ابوالفرج. (۱۹۹۴م). *الأغانی*؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- الحوفی، احمد محمد. (۱۹۴۹م). *الحياة العربية من الشعر الجاهلی*؛ بیروت: دارالعلم.
- ضیف، شوقی. (۱۱۱۹م). *تاریخ الأب العربی العصر الجاهلی*؛ الطبعة الثانية و العشرون، قاهره: دارالمعارف.
- عروة بن الورد. (۱۹۹۸م). *دیوان*؛ شرح و تحقیق: أسماء ابوبکر محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- علی، جواد. (بی‌تا). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*؛ بیروت: دارالعلم للملایین.
- الفاخوری، حنا. (۱۹۸۶م). *الجامع فی تاریخ الأدب العربی، الأدب القديم؛ الطبعة الأولى*، بیروت: دارالجیل.
- مرؤة، محمدرضا (۱۹۹۰م). *الصعاليك فی العصر الجاهلی، أخبارهم و أشعارهم*؛ بیروت: دارالکتب العلمیة.

### کتاب‌های فارسی

- آهنگر، کتایون (۱۳۸۵ش). *تیپ‌شناسی شخصیت؛ مشهد: انتشارات شهید زاده.*

- آیسنک، هانس یورگن (۱۳۷۷ش). *واقعیت و خیال در روانشناسی*؛ ترجمۀ محمدنقی براهنی و نیسان کاهان، تهران: انتشارات رشد.
- افخمی، رضا و همکاران. (۱۳۹۵ش). *بازتاب سه آیین صعلوکی، عیاری و شوالیه‌گری در آینۀ ادبیات*؛ یزد: دانشگاه یزد.
- پالمر، هلن. (۱۳۸۹ش). *انیاگرام شخصیت‌شناسی در کار و زندگی*؛ ترجمۀ احسان الوندی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- دارابی، جعفر. (۱۳۸۸ش). *نظریه‌های روان‌شناسی شخصیت*؛ تهران: نشر آبیژ.
- دانیلز، دیوید و ویرجینیا پرایس. (۱۳۹۱ش). *شخصیت‌شناسی (انیاگرام)*؛ ترجمۀ نیما سید محمدی، تهران: ارسباران.
- دقیقیان، پروین. (۱۳۸۹ش). *روان‌شناسی تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه*؛ تهران: آشیانۀ کتاب.
- ریزو، دان ریچارد. (۱۳۸۳ش). *خصوصیات شخصیت خود را کشف کنید*؛ ترجمۀ ایرج صابری و فرهاد شیخ الاسلامی، تهران: پیک بهار.
- ریسو، دان ریچارد و راس هادسون. (۱۳۹۱ش). *انیاگرام دریچه‌ای به فراسوی شخصیت*؛ ترجمۀ وجیه‌الله گلنواز و مسعود حسن چاری، تهران: کتاب ارجمند.
- زالی، محمد. (۱۳۹۵ش). *آشنایی با انیاگرام، ابزار شخصیت‌شناسی نه‌گانه*؛ بی‌جا: بی‌نا.
- سررشته داری، مهدی. (۱۳۹۳). *انیاگرام، تیپ‌شناسی نه‌گانه شخصیت‌ها*؛ تهران: مهراندیش.
- شولتز، دوان. (بی‌تا). *نظریه‌های شخصیت*؛ ترجمۀ یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر هما.
- گنجی، حمزه. (۱۳۸۳ش). *روانشناسی عمومی*؛ چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات ساوالان.

#### کتابهای انگلیسی

-Wright, Chris M.A. (1997). *ENNEAGRAM Understanding Each Other's World. Being Responsive to the Other's Core Needs*. Virginia, Pp.1-28.

#### مقالات فارسی

- افخمی، رضا. (۱۳۸۶). «غربت و بیگانگی در شعر صعلالیک»؛ کاوش‌نامه (مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه یزد)، سال هشتم، شماره ۱۴، صص ۲۱۸-۱۹۳.
- اقبال، عباس و عبدالحسین ذکایی. (۱۳۹۵). «تبیین مؤلفه‌های شادمانی و مثبت‌گرایی در اشعار عروۀ بن الورد»؛ *مجله ادب عربی*، سال هشتم، شماره ۲، صص ۱۷-۳۵.

- پورالخاص، شکرالله و زهرا سلجوقی. (۱۳۹۴). «بررسی شخصیت‌های رمان میر امار بر اساس مکتب انیاگرام»؛ مجموعه مقالات هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، صص ۴۹۵-۵۰۹.
- حسینیان، سیمین و دیگران. (۱۳۹۱). «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون تیپ‌های شخصیتی نه گانه انیاگرام»؛ فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، شماره ۱۲، ۱۴۴-۱۲۵.
- خزلی، مسلم و حسن گودرزی لمراسکی. (۱۳۹۳). «نقد روان‌شناسی اشعار عمرو بن کثوم و عنتره بن شداد»؛ فصلنامه لسان مبین، صص ۸۹-۶۲.
- ذکاوتی قراگزلو، علیرضا. (۱۳۷۳). «شاعران صعلوک در ادب عربی»؛ آینه پژوهش، سال پنجم، شماره ۲۵، صص ۳۳-۳۹.
- رضایی، بیتا و دیگران. (۱۳۹۵). «تحلیل روان‌شناختی تیپ شخصیتی "پادشاه" در داستان پادشاه و کنیزک مثنوی بر مبنای الگوی اناگرام»؛ متن پژوهی ادبی، سال ۲۱، شماره ۷۱، صص ۱۹۲-۱۶۹.
- کاراندیش، مریم. (۱۳۹۴). «شما کدام تیپ شخصیتی هستید؟»؛ مجله پیام زن، شماره ۲۷۸، صص ۵۶-۶۰.

### تمیط شخصية عروة بن الورد في ضوء نظرية الإنياجرام\*

رضا أفخمي عقدا، أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها بجامعة يزد

مهديّة جعفري ندوشن، طالب الدكتوراه في اللغة العربية وآدابها بجامعة يزد

#### الملخص

إنّ دراسة الشخصية وفهمها هي من اتجاهات نقد علم النفس ومناهجه التي دخلت ساحات جديدة؛ بما فيها الأدب في القرن العشرين. حيث يسعى الناقد في هذا المنهج اعتماداً على مبادئ علم النفس، إلى الكشف عن أعماق الروح لدى مبدع العمل الأدبي وشخصيته من خلال أعماله. فمن النظريات الهامة في دراسة الشخصية وتصنيفها في علم النفس الحديث، هي نظرية "الإنياجرام" التي يمكن تحديد أنماط الشخصية لكل فردٍ عبرها من خلال الأنماط التسعة لهذه النظرية. فيهدف هذا البحث إلى التعرف على شخصية عروة خلال أشعاره وذلك وفق منهجٍ وصفيّ - تحليلي. وكما يعالج انعكاس شخصيته والعوامل المؤثرة في تكوينها على ضوء نظرية الإنياجرام. فقد أوحى بعضُ النتائج على أنّ سمات عروة السلوكية هي أكثر تلامحاً مع خصائص النمط الثاني (المساعد) والتي تتمثل في شكل إنسان رحيم، حنون، مضح بالنفس، سخيّ ومساعد للفقراء والمضطهدين. مما يحمل عروة على مثل هذه السلوكيات هو محاولته للتغلب على عقدة النقص التي تنجم عن الظلم واللامساواة الاقتصادية والاجتماعية السائدة على حياته الشخصية والاجتماعية، كما تجري سلوكياته الإنسانية إثباتاً لشخصيته واجتذاب انتباه الآخرين.

**كلمات مفتاحية:** الشعر الجاهلي، تمیط الشخصية، عروة بن الورد، نظرية الإنياجرام

\* - تاريخ الوصول: ١٣٩٧/٠٣/٢٥ تاريخ القبول: ١٣٩٧/٠٧/٠٨

عنوان البريد الإلكتروني للكاتب المسؤول: [mahdiejafari59@gmail.com](mailto:mahdiejafari59@gmail.com)

شناسه دیجيتال (DOI): 10.30479/lm.2018.1545